



### افزایش جرمه‌های شکار

معاون محیط‌زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط‌زیست دیروز از افزایش ۳/۹ برابری جرمه شکار غیرمجاز خبر داد. حسن اکبری در ادامه گفت: «امیدوارم این جرائم بتواند بازدارندگی ایجاد کند و مورد استفاده قرار بگیرد. طبقه‌بندی ما برای تعیین بهای ضرر و زیان، براساس وضعیت حفاظتی هر یک از گونه‌هاست. برخی از آن‌ها در خطر انقراض هستند، بنابراین جرمه در نظر گرفته‌شده خیلی بالاتر است. گونه‌های حمایت و حفاظت‌شده در رده بعدی قرار دارند. در نهایت ضرر و زیان برای گونه‌های عادی و حتی غیربومی مانند پرندگان زینتی نیز در نظر گرفته شده است.» او ادامه داد: «گونه‌هایی مانند یوزپلنگ، خرس سیاه، انواع گربه‌سانان به‌ویژه پلنگ، پرندگان مثل شاهین که وضعیت بحرانی تری دارند، پرندگان کمیاب مانند هوبره، برخی آبزیان مثل انواع دلفین‌ها و خزندگان اندمیک و در معرض خطر انقراض هم جرائم سنگین‌تری دارند.»



### آمار محرمانه بیماران خاص؟

فاطمه هاشمی، رئیس بنیاد خیریه امور بیماری‌های خاص از منتشر نشدن آمار مرگ‌ومیر بیماران خاص انتقاد کرد. او در ادامه گفت: «ما در گذشته آمارهای مرگ‌ومیر بیماران را از واحدهای مختلف می‌گرفتیم، اما از چندین سال قبل یخسنامه‌ای صادر شد با این مضمون که آمار مرگ‌ومیر بیماران خاص دیگر منتشر نشود یا به دست ما نرسد که به‌دنبال آن، وزارت بهداشت نیز دیگر این آمارها را در اختیار ما نگذاشت.» او ادامه داد: «متأسفانه برخی داروهای بیماری سرطان - که تحت پوشش بیمه نیستند - برای یک دوره مصرف ماهانه قیمتی بالغ بر ۵۰ الی ۶۰ میلیون تومان دارند. داروهای تزریقی شیمی‌درمانی، قابل استفاده شخصی در منزل نیست که بیمار خودش آن را تهیه کند، بلکه بیمارستان‌ها و مراکز درمانی مربوطه باید از این نظر تأمین باشند.»



### عابران ۴۱ درصد فوتی‌های تصادفات

ابوالفضل موسوی‌پور، رئیس پلیس راهور تهران بزرگ از سهم ۴۱ درصدی عابران پیاده در تصادفات تهران خبر داد. او در این باره گفت: «براساس تحلیل‌های همکاران من در پلیس راهور، ۴۱ درصد متوفیان تصادفات سال گذشته، عابران پیاده بودند و متأسفانه ۶۰ درصد این افراد در بزرگراه‌ها جان خود را از دست داده‌اند. در واقع می‌توان گفت که این افراد، در حال عبور عرضی غیرمجاز از بزرگراه فوت کرده‌اند؛ در حالی که اصلاً نباید در این محل‌ها تردد می‌کردند.» رئیس پلیس راهور تهران بزرگ ادامه داد: «سال گذشته در بزرگراه‌های آزادگان، آیت‌الله سعیدی و شهید صیاد شیرازی بیشترین تصادفات فوتی رخ داده است و در تمام این تصادفات، همکاران من هنگام رسم کروکی، تقصیر عابران پیاده را نیز لحاظ کرده‌اند. متأسفانه علاوه بر اینکه عابران پیاده در این تصادفات نقش دارند؛ ۱۱ درصد تصادفات نیز در محل‌هایی رخ داده که خط‌کشی عابریاده نیز وجود داشته است. یعنی رانندگان باید حق تقدم عابریاده را رعایت کرده و توقف می‌کردند، اما این کار را نکرده و منجر به وقوع تصادفات شده‌اند.»



و هم شعله‌ور نباشد. قرار است در ۶ ماه، طبقه اول ساخته شود، اما آنها که در سال‌های ۹۲ و ۹۶ خانه‌هایشان را از دست داده‌اند معتقدند که اینها همه وعده است. البته برخی از مسئولان هم بر عقبنشینی خانه‌ها تأکید کرده‌اند که اهالی مخالفتند. گازکشی هم به‌زودی انجام می‌شود. معاون بنیاد مسکن کشور وعده داده که برای هر طبقه وام ۳۵۰ میلیون تومانی با کارمزد ۵ درصدی و بازپرداخت ۱۰ تا ۱۵ ساله در نظر گرفته شده است. استاندار گیلان هفدهم اردیبهشت‌ماه اعلام کرد که در حادثه آتش‌سوزی روستای امامزاده ابراهیم، ۳۸۹ واحد مسکونی و تجاری در قالب ۱۲۰ ساختمان به‌طور کامل سوخت و تخریب شد. اسدالله عباسی اعلام کرد که از این تعداد ۱۱۸ واحد بیمه بودند و تعدادی هم بیمه نداشتند. او وعده داد که به‌زودی روند پرداخت به خسارت‌دیدگان آغاز می‌شود.

پری، زن میان‌سالی است. تنها چیزی که از شب حادثه یادش است، فرار اهالی است. یک پایش مصنوعی است و با عصای چوبی راه می‌رود. مغازه و ساختمان ۶ طبقه‌اش کاملاً سوخته. چه‌بیزه دخترش هم خاکستر شده. با دست‌نکته‌های سوخته‌ها از زمین بر می‌دارد: «مغازه زبورآلات داشتیم». صورتش حسرت می‌شود. وسایل را با دست جابه‌جایی می‌کند: «نه پول نقدی داریم، نه می‌تونیم وام بگیریم. شناسنامه، کارت ملی و همه مدارک سوخته». این دومین باری است که خانه‌مان می‌سوزد.

اهالی می‌گویند منابع طبیعی به آنها گفته، باید هزینه نصف زمینی که تصرف کرده‌اند را پرداخت کنند اما اهالی زیر بار نمی‌روند: «چرا باید پول خانه‌ای که ۴۰ سال در آن زندگی کرده‌ایم را پرداخت کنیم.» خانه‌های این روستا سست‌ند، اهالی از چنددهه قبل، زمین‌ها را تصرف کرده و ساختمان‌سازی کردند. حسین صفایی، عضو شورای روستا می‌گوید که بیش از ۱۲۰ ساختمان و بیشتر از ۳۰۰ واحد همراه با مغازه‌های بازار به‌طور کامل در شهر سوخته‌اند. اهالی اما تأکید می‌کنند که بیش از ۵۰۰ واحد مغازه و خانه آتش گرفته. هر ساختمان شامل مغازه، اقامتگاه و خانه اهالی بود. راست و چپ، مغازه و خانه بود. روستا در تاریخ حادثه، شلوغ نبود. فصل امتحانات همچنان خلوت است و مسافران از تیر و مردادماه به این منطقه می‌آیند. به‌همین دلیل تلفاتی هم نداشت و از اهالی کسی آسیب ندیده، تنها دوفتربودن که به‌دلیل بیماری قلبی، دچار سکنه شده و بستری شدند.

مسئولان استانی می‌گویند این روستا پیش از این در سال‌های ۹۲، ۹۳ و ۹۶ و حالا هم ۱۴۰۳ آتش گرفته و حالا اهالی یک‌به‌یک آنها را به یاد می‌آورند: «اولین بار حدود ۳۰ سال پیش بود که روستا آتش گرفت. روستا برق نداشت، یک موتور برق سیار در حرم بود که با بنزین کار می‌کرد. نگهبان با فانوس به موتور سر می‌زد تا بنزین بریزد که موتور دچار آتش‌سوزی می‌شود. بار دوم، آتش‌سوزی در بازار رخ داد. حتی برخی می‌گویند که این آتش‌سوزی عمدی بود. بار سوم، یکی از مسافران عامل آتش‌سوزی بود. ظاهراً می‌خواست قلیان روشن کند که شعله‌هایش روی نمای چوبی می‌افتد. چهارمین بار را به‌یاد ندارم.» اینها توضیحات آقای رضایی است. او می‌گوید که این دومین بار است که روستا به‌طور گسترده‌ای آتش می‌گیرد.

استاندار گیلان و معاونانش، مدیرکل هلال احمر و مدیران بیمه به منطقه آمده‌اند. خسارت‌ها از سوی بیمه صورت جلسه شده، به آنها گفته‌اند این اشغال‌ها را جمع کنید. دستگاه می‌آوریم و خاکبرداری می‌کنیم. اهالی اما می‌گویند تا زمانی که میزان پرداختی مشخص نشود، دست به این مصالح سوخته نمی‌زنیم.

روستای امامزاده ابراهیم، آبشار و قتلگاه و بازارچه‌های فراوان دارد. جنگل و رودخانه دوطرف روستا را در آغوش کشیده‌اند، افرا، توسکا، راش و گردو سرک کشیده‌اند به روستا و از آتش چهارشنبه‌شب سهمی داشتند. تن سیاه و سوخته‌شان میان زمینی تاریک و کدر، تصویر روستا را مخوف‌تر کرده. دوطرف روستا تا سر پیچ، خاکستر شده، خانه‌ها و مغازه‌های بعد از پیچ اما از شعله‌ها نجات یافته‌اند، همان مسیری که به امامزاده می‌رسد. روستا ۱۸ هکتار و متعلق به بنیاد مسکن است، پیاده از ابتدا تا انتهای روستا، یک‌ساعت زمان می‌برد. مغازه‌ها لجن‌های محلی، نخود و کشمش برای تبرک و نذر، وسایل اسباب‌بازی، زبورآلات و پوشاک می‌فروختند.

مسیر شفت به امامزاده، سبز است و پُرچال. جاده سخت است و اهالی برای هر بار رفت‌وآمد، در سراسر می‌کشند. شب آتش هم ماشین‌های آتش‌نشانی به‌سختی خودشان را رسانده‌اند. نزدیکترین ایستگاه، در شفت بود. اهالی می‌گویند این روستا باید مانند ماسوله تبدیل به شهر شود تا از خدمات شهری استفاده کند، تا وقتی شهر نشود، باید هم انتظار چنین حوادثی داشت؛ به گفته حبیب حاجتی از ساکنان قدیمی این روستا که در ۹۶ خانه‌شان آتش گرفت و هنوز نتوانسته‌اند خسارتی برای ساخت‌وساز بگیرند.

آقای کت و شلواری پوشی کنار خرابه‌ها ایستاده با پوشه‌ای در دست. او از قربانیان آتش‌سوزی سال ۹۶ است و حالا با این آتش‌سوزی فرصتی شده تا پرونده‌های قدیمی، دوباره به جریان بیفتد. سال ۹۶ نزدیک به ۹ خانه دیوار به دیوار هم آتش گرفتند. یکی از ساکنان می‌گوید که سه‌ل انگاری همسایه منجر به این اتفاق شد: «همان سال که پیگیری کردیم به ما گفتند، مستندات ما کم است و دیگر پیگیری نکردیم. حالا که این اتفاق افتاد، ما هم پرونده‌مان را آوردیم تا پیگیری کنند. خسارت دهند و ما بتوانیم ساختمان را بسازیم.»

باران تمامی ندارد. قرار است آنقدر ببارد تا دیگر دودی بلند نشود و روستای سوخته و خاکسترشده از نفس بیفتد، کپسول‌ها بی‌جان شوند و آب لوله‌ها تمام شود. خانه‌های بدون سقف، دیوار، اسباباب و اثاثیه مثل شهر بمباران شده‌ای است که بخت یار اهالی‌اش نبوده. هیچ‌کس جان نیاخت و آسیب جانی ندید، زندگی‌ها اما دود شد و به هوا رفت. روستای دود و خاکستر. در پنجمین آتش‌سوزی روستا، روستای دود و خاکستر. در

حالا برای‌شان خاطر شده. اغلب پایین‌ترین میزان از بیمه را دارند. مثل آقای رضایی که یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برای هر طبقه بیمه کرده و ۲۰۰ هزار تومان برای اسباباب و اثاثیه. ساعت ۱۱:۳۰ چهارشنبه شب، شهرک چوبی، غلغله بود، ساکنان هرکدام به جایی فرار کرده بودند، مثل «گل‌عنبر» ۴۸ ساله که ۲۴ سال است در این روستا زندگی می‌کند. خانه در سطح پایین‌تری از خیابان قرار گرفته، راهش اما تلی از بتن، گچ و ورق‌های فلزی است که به‌خاطر آتش گرفتن، نمی‌توان تشخیص داد قبلاً چه شکلی داشته. مسیر به خانه، بسته است. از روی خرابه‌های خانه‌های دیگر باید گذشت تا به خانه گل‌عنبر رسید. آنها بومی این منطقه‌اند و از اقامتگاه ۴ طبقه‌شان که دو طبقه‌اش بتنی بود، جز دو دیوار و یک عالم خرت و پرت سوخته غیرقابل تشخیص چیزی نمانده. دل‌شان به تیرماه که فصل توریست است خوش بود و حالا در چشم‌خانه‌هایش، روی صورت تکیده و در ماندند، موهایی ژولیده و لباس‌های کهنه و نامرتب، گرد غم‌نمسته. لاشه کپسول‌ها و گازیکتیکی‌ها گوشه‌گوشه روستا افتاده. آنها بازمانده‌های جنگ آتش‌اند. صدای انفجارشان در شب حادثه، تن اهالی را لرزاند بود و حالا آرام در گوشه روستا، روی خاکسترها مانده‌اند.

گل‌عنبر می‌گوید که شب حادثه در خانه خیاط بوده که صدای فریادهای آتش، آتش... را شنیده. همه فرار کردند او اما جلوی در خانه، مات و مهووت به قرمزی تند شعله‌ها چشم دوخته بود. این سومین باری بود که خانه‌اش را در شعله می‌دید. آتش‌سوزی در این روستا از چندین بار دیده اما این بار شعله‌ها وحشتناک‌تر بوده‌اند: «هیچ‌وقت اینطور نبود. آتش به‌یکباره به جان خانه‌ها و خانه‌اش افتاد. خانه ۱۰۵ متری چهار طبقه. داروهایش را هم نتوانست بیرون بیاورد. دست‌پس‌رو استیج‌کنش را گرفت و از خانه فرار کرد. همسر و پسر را چندسال پیش از دست داده و با دختر و دامادش زندگی می‌کرد. پسر دیگرش در قشم، برایش یک عالم وسیله آشنی‌خانه خریده. ماشین لباسشویی را چندماه پیش ۳۰ میلیون تومان خریده، کابینت را برای مهمانان، امسال ساخته و ظرف‌های زیادی خریده. از وسایل خانه که حرف می‌زند، برقی به چشمانش می‌آید و خیلی زود رنج جایش را می‌گیرد: «۱۲ میلیون تومان وسایل آشنی‌خانه خریدم، پتوی گلبافت، وسایل برقی، سبزی خردکن، چرخ گوشت... همه را نو کرده بودم.» می‌گوید دیگر توان ساختن دوباره ندارد: «ساختن خانه‌ها به تیرماه امسال که نمی‌رسد، به سال بعد برسد خوب است. نه پول دارم، نه کسی که از من حمایت کند. هر کیسه سیمان ۱۵۰ هزار تومان شده، این همه پول را از کجا بیآوریم.» به آنها اتاقی در ساختمان فرمانداری داده‌اند. از در و همسایه‌ها هم شنیده که قرار است وام بلاعوض به آنها بدهند. خود اهالی می‌گویند که حداقل ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد تومان خسارت وارد شده است: «مردم سه‌ماه تابستان کار می‌کنند برای کل سال‌شان. خیلی‌ها به بازار ده‌کارند و بدهی‌شان از ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیون تومان تا یک میلیارد تومان است. خانه‌سازی در این روستا به‌دلیل شرایط جاده‌ای، متری ۲۵۵ میلیون تومان است.»

ماشین آتش‌نشانی، گوشه خیاط یک ساختمان ترمز گرفته. ماشین کوچکی که شاید نهایت کاری که بتواند انجام دهد، خاموش کردن شعله چند شاخه خشکیده است. همان ماشین آتش‌نشانی هم شب حادثه، نه راننده داشت، نه آب و نه کسی که راهش بیاندازد. راننده دوسال پیش استعفا اعتراضی داشت. اهالی می‌گویند آن شب به آتش‌نشانی زنگ زده‌اند، راننده که نبود، یک آدم عادی نشست پشت فرمان و به محل حادثه آمد. مسیر کوتاه بود اما راننده نمی‌دانست چطور باید پمپ آب را باز کند، هر چه کردند ماشین به کارشان نیامد. یک‌ساعت بعد، وقتی شهرک تبدیل به خاکستر شد، ماشین‌های آتش‌نشانی رسید. آقای رضایی می‌گوید ماشین آمد تا آتش خاموش شده را خاموش کند. خانه‌ها کپسول آتش‌خاموش‌کن داشتند اما آتش آنقدر شعله‌ور شده بود که کپسول‌ها به کار نیامد. باد شعله‌ها را جابه‌جایی کرد، ناآوایی از پایین شهرک، سمت چپ بود و نزدیک ۱۰ تا ۱۲ متر با خانه روبرویی فاصله داشت اما شعله‌های سیار، به هیچ‌کس رحم نکردند. شهرک چوبی بیش از ۵۰۰ خانه و مغازه را از بین برد.

صفر قربانی، رئیس شورای روستا، در اتاق انتهایی ساختمان استانداری که اتاق‌هایش را به اهالی خانه‌سوخته داده‌اند، نشست و درباره ماجرای ماشین آتش‌نشانی می‌گوید که ماشین آتش‌نشانی آب داشت، اما نیرو نداشت: «ما فراخوان داده بودیم که یک نفر برای کمتر از ۸۰ روز بیاید و در این بخش فعال شود. اما از دهباری و استانداری تأکید کرده بودند که آتش‌نشانی باید در آزمون قبول شده باشد. به‌همین دلیل اجازه استخدام نمی‌دادند. به گفته او، به‌دلیل نزدیکی خانه‌ها و مصالح آتش‌زا و همچنین تعداد زیادی گازیکتیکی و کپسول گاز، ده‌ها بار انفجار رخ داد. آنطور که شنیده می‌شود دادستانی برای او و چند نفر دیگر از جمله دهباری، پرونده تشکیل داده. آنها چند ساعتی را هم بازجویی شده‌اند و حق انجام مصاحبه ندارند. آنها به‌زودی دادگاهی می‌شوند. چهاردهم اردیبهشت‌ماه، دادستان گیلان از تشکیل پرونده قضایی در ارتباط با این حادثه خبر داده بود. دو روز بعد از آن هم رئیس دادگستری استان اعلام کرد که با مدیران مقصر در این آتش‌سوزی برخورد می‌شود. به گفته او، در مرکز استان هم با تشکیل جلسه، بر ضرورت پیگیری، شناسایی علت حادثه و برخورد با عوامل آن تأکید شده است.

منطقه پُر مه است، دور دست‌ها به سختی پیداست، حتی گنبد بقعه امامزاده ابراهیم هم میان مه، ناپیدا شده، باران قطره‌قطره می‌چکد، خودرو و مسئولان در رفت‌وآمد است. آنها چند ساعت پیش چندین جلسه در حرم داشته‌اند. وزیر و معاون وزیر و مدیران هلال احمر و بیمه دور هم جمع شدند و وعده دادند. مسئولان گفته‌اند ۶ ماهه روستا را می‌سازند و دیگر هم کسی حق ندارد از نمای چوبی استفاده کند. از دهباری خبر رسیده که اهالی باید از سنگ نمای چوب استفاده کنند. تا هم زیبایی داشته باشد